

مولانا و قرآن

www.ketab.ir



سرشناسه : محمدی، کاظم، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور : مولانا و قرآن [کتاب] / کاظم محمدی.
مشخصات نشر : کرج: نجم کبری.
مشخصات ظاهری : ۵۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۲۶-۳
یادداشت : این کتاب در سال های ۱۳۹۰ - ۱۳۹۶ تجدید چاپ شده است.
یادداشت : نمایه.
یادداشت : کتابنامه:ص: [۵۱]-۵۲
موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. -- معلومات -- قرآن
موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. -- مثنوی -- قرآن
موضوع : قرآن -- ترجمه‌ها
موضوع : شعر فارسی -- ترجمه‌ها
موضوع : قرآن در ادبیات فارسی
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ م/۲۸۷ م/۱ / ۵۳۰۱
رده‌بندی دیوبی : ۸۱۶۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۲۸۷۵



نام کتاب : مولانا و قرآن
نویسنده : کاظم محمدی
انتشارات : نجم کبری
چاپ و صحافی : یوتاب
تیراژ : ۲۰۰
چاپ اول : ۱۳۹۰
نوبت چاپ : چهارم ۱۴۰۳
قیمت : ۷۰۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۲۶-۳

www.ketab.ir

فهرست

۵	مقدمه ناشر
۷	پیش‌گفتار
۱۳	مولانا و قرآن
۵۱	منابع و مآخذ
۵۳	نمایه

مقدمه ناشر

خواننده گرامی!

آنچه که در برابر دیدگان نازنین شما قرار گرفته است، متنی است از سلسله مقاله‌های استاد فرهیخته و دانشمند علامه شهید و عرفان‌شناس جناب آقای کاظم محمدی که به درخواست دانشگاه آزاد واحد زنجان و با همکاری انجمن حکمت و فلسفه در «فصلنامه‌ی تخصصی عرفان» به زیور چاپ آراسته شده و مخاطبین بسیار زیادی نیز داشته است و بسیاری تحت تأثیر این مطالب دقیق عرفانی قرار گرفته و از آن بهره‌های فراوانی برده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع‌های مطرح شده در این فصلنامه، انتشارات نجم کبری بر آن شد که برای نخستین بار این مباحث را که درباره‌ی موضوعات مهم قرآنی و عرفانی است با تقاضا و درخواست این انتشارات و با اجازه مستقیم و عنایت نامبرده، چاپ و

منشر سازد. بر این اساس این متن از روی متن اصلی فصلنامه تخصصی عرفان «شماره دهم، سال سوم، زمستان ۱۳۸۵» و با عنوان «مولانا و قرآن» به شکل فعلی درآمده است. و قابل ذکر است که تا کنون هیچ کتابی مستقلاً دربارهٔ این موضوع بسیار مهم و بنیادین نوشته نشده و این کتاب که هم اکنون پیش روی شماست به مانند بسیاری دیگر از آثار جناب آقای کاظم محمدی برای بار اول است که به طور گسترده تحقیق شده و به نگارش درآمده است. و این انتشارات این افتخار را دارد که ناشر آثار گرانشنگ عرفانی و دین پژوهی این استاد فرزانه باشد.

امیدمان این است که در رضایت محققان علوم قرآنی و عرفانی قرار بگیرد و از خداوند متان هم در راه توفیقات و استقامت در راه مستقیم را طلب می‌نماییم. و امیدوار هستیم که به مدد دانشوران صاحب‌دل، و مشتاقان معنویت بتوانیم کارهای بنیادین را با گام‌های بلند و استوار در راه تحقق آرمان‌های بلند اسلام، تشیع، قرآن و عرفان که به کمال سعادت همیشگی انسان می‌انجامد برداریم.

با سپاس

انتشارات نجم کبری

قرآن بدون تردید خاستگاه فکر و ایمان عرفان بوده، هست و تا همیشه خواهد بود. چراکه قرآن خود کتاب مصدري عرفان است و اگر عارف در ذات به دنبال کمال از طریق «عرفان رب» باشد و بر الوهیت متمایل شود این کتاب که نفساً و ذاتاً کلام نازلہی اوست این همه را دربردارد و اساساً برای همین معرفت و کمال معنوی است که به جامعه‌ی بشری ارزانی شده است. قرآن بزرگ‌ترین هدیه و تحفه‌ی آسمانی است که خداوند برای انسان‌ها فروفرستاده و کیفیت نزول را اگر با حضور ملائکه‌ی عرش به همراهی و ریاست «روح» در نظر بگیریم نشان از آن دارد که اثری است گرامی و بسیار گران‌سنگ

که خود فرمود: «إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا». او در این بین بیشترین لذت و حظ و بهره از آن عارفان است که آن کتاب را بر گرفته و با کلمات آن مأنوس گشته‌اند.

در بین عارفان از آغاز تا کنون شاید از عارفی ندیده و یا نشنیده باشیم که بدون قرآن به فهمی رسیده باشد. از ادهم و بایزید و حلاج و نجم کبری گرفته تا بعدی‌ها. هر کدام به نوعی با کل یا جزء این کتاب آسمانی عجین و قرین بوده‌اند. به شکل گسترده‌تر در منابع تصوف و عرفان نیز این سابقه دانستن و خواندن و حفظ کردن به وفور یافت می‌شود و کافی است آثار عارفان از قدیم تا جدید نگاهی بیافکنیم، آن‌گاه خواهیم دید که مجموع مجموعه‌ای دلنشین و عالی در شناخت قرآن به حساب می‌آید.

بر این اساس نیز باید نوشته‌های عارفان را که بر گرفته از فهم ایشان از آیات قرآنی است را خود نوعی تفسیر و در مواقعی تأویل آیات تلقی کنیم و آن سخنان و نوشته‌ها را نیز به منزله‌ی آثاری قرآنی برای فهم بهتر و بیشتر آن بدانیم. نوشته‌های عمیق و گسترده‌ی شیخ اکبر محی‌الدین بن عربی، و به موازات آن، آثار پربرکت مولانا جلال‌الدین را باید بیشتر و دقیق‌تر دانست که تمامی، خاصه در نظم مولانا قرآنی است فارسی که به فهم فارسی‌زبانان نزدیک‌تر خواهد بود و

به بلوغ اندیشه‌شان نیز بیشتر مدد می‌رساند. توجه عارفان به قرآن و ارتباطی که با آن کتاب نورانی دارند آن قدر ژرف است که برخی به تعبیر ابن عربی قرین قرآن، یا قرین یک سوره و آیه می‌شوند و بدین واسطه به عالم معنا راه می‌برند و احیاناً در جریان هستی تصرف می‌کنند، هرچند که به طور سر بسته نشان از ولی بودن فرد هم دارد. که تا فرد به ولایت نرسد قرین قرآن و آیات قرآن نمی‌گردد.

چنان که اشارت شد نگاهی به برخی منابع صوفیانه و عرفانی به مانند: رساله‌ی قشیریه، کتاب تعرف، شرح تعرف، اللمع فی التصوف، فتوحات مکیه، فصوص الحکم، فوائح الجمال، تحفة البرره، مرصادالعباد، احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، منازل السائرين، مصباح الهدایه و ... می‌تواند نوح نگاه ایشان را به قرآن نشان بدهد، در هر کدام از این آثار تعدادی از آیات به تفصیل بحث مورد استناد و استفاده قرار گرفته و هریک به نوعی پرده از فهم آیات برداشته و نکاتی نغز را برای سالکان طریقت و مشتاقان حقیقت بیان نموده‌اند. اگر کسی صرفاً به قصد نگاه عارفان به قرآن و آیات مورد استناد ایشان وارد آثارشان شود بدون تردید خود را در دریایی ژرف از فهم عمیق آیات می‌یابد که جز از آن دریچه هرگز نمی‌توان به فهم آن نایل شد.

این کار از برای آن است تا آدمی بتواند با فهم بالای عارفان به این کتاب نگاه کند و راز و رمزهای آن را از این طریق شناسایی کند و

آن را تفسیری عارفانه تلقی کند.

بدیهی است که کسی مثل بایزید بسطامی که عمرش در راه فنای عاشقانه و فهم آیات الهی گذشته و لسان خود را عجین شده با آیات کرده است آنچه را که او می‌فهمد فزون از ظرف دیگران است و همین امر باعث تبعید سیزده‌گانه‌ی او از وطن شده. وضع دیگران هم با اندک تفاوتی چنین است. سخن ابن عربی و دیگران که در وصف بایزید می‌گویند او را در این راه تام و تمام می‌سازد که گویند بایزید آن هنگام که در گذشت و از این جهان رخت بریست تمام قرآن را حفظ بود. دیگران هم چنین کردند و در آیات الهی تفکر و تأمل نمودند و هر آیه را به مرتبه‌ی در جایگاه خاص خود حراست کرده و خلق خدای را بدان واسطه ارشاد و همایونی نمودند.

این قرابت با آیات سبب می‌شد که روحشان را جانشان مأنوس آیات شده و ماهیت و لفظشان نیز تحت تأثیر آیات متحول و دگرگون شود و از گرمای خاص برخوردار گردند که این گرما و حرارت از آن «اهل قرآن» است و همین فهم و لحن است که سبب تأثیرگذاری بر دیگران را فراهم می‌آورد.

نمونه‌ای ژرف از این دگرگونی و تقلیب را می‌توان در عارف

نامی فضیل بن عیاض با تجلی آیه‌ی «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ

تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا

كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
قُلُوبُهُمْ ^{عَلَى} وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^۱ دانست.

www.ketab.ir